عدم توجه به تفکیک پایه‌های ناظرمحور و غیر آن؛ منشأ اختلاف در اصالت فرد و جامعه

استاد: منظورم من هم همین است. حتی پارسال هم عرض کردم که چرا بزرگان اهل فکر، بعد از این همه فکر، گفته بودند هم اصالت با فرد است و هم اصالت با جامعه است؟! آدم اولش می‌گوید یعنی چه؟ خب نمی‌شود؟! این، به همین‌ها مربوط می‌شود. یعنی واقعاً وقتی جامعه تشکیل می‌شود، بعضی از پایه‌های ظهور امور اجتماعی، پایه‌های ناظرمحور است. فلذا است آن اساتیدی که همه بودند و می‌گفتند اصالت فقط با فرد است و به‌شدت از آن دفاع می‌کردند و می‌گفتند اصالت با جامعه نیست، آن‌ها فقط به پایه ناظرمحور توجه داشتند که اگر ما نباشیم، آن‌ها نیستند. اما وقتی جلوتر رفتند - در کلمات خود آن اساتید هم بود - وقتی انسان‌ها جمع شدند، در زمان اجتماع مؤلفه‌هایی، این پایه می‌شود برای نزول یک معنا -ظهور به این معنا است- و برای ظهور معانی غیر ناظرمحور و ما واقعاً در جامعه این‌ها را داریم. آن‌هایی که می‌گفتند جامعه هم اصیل است، چون می‌دیدند یک جاهایی در ترکیب مؤلفه‌های اجتماعی، یک چیزی ظهور می‌کند که به ناظر مربوط نیست و اصلاً ناظرمحور نیست. این خیلی بحث مهمی است و لذا شما هر چه می‌خواهید نقش کنید و رفت‌وبرگشت کنید، می‌ارزد. الآن هم می‌خواهم همین را عرض کنم. البته فرآیندش را بعد می‌گویم. فعلاً امر ثابتش را می‌گویم.

امر ثابت یعنی چه؟ چند چیز می‌آیند و شرائط خاصی از ترکیب برای آن‌ها صورت می‌گیرد و یک امر ظهور می‌کند. اسم این امر را ذات و شیء بگذاریم؟ مانعی ندارد، ولی آن را ضیق گرفته‌ایم. باید منظورمان از ذات شیء، امر باشد که یک معنای بسیار وسیع است. در اینجا است که ما باید این پایه را مهم بدانیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2025 15:22:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 آوریل 2025 17:13:06 توسط ... .